

خبر

مدیر کل نظارت بر اجرای استاندارد موسسه استاندارد: چای ۳۰ساله به خورد مردم می‌دهند

■ ایسنا: مدیرکل نظارت بر اجرای استاندارد موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران با ابراز تأسف شدید از وضعیت نامناسب بازار چای کشور گفت: متأسفانه وضعیت به گونه‌ای شده که بعضا چای‌هایی را که ۳۰ سال در انبارها مانده با چای‌های خارجی ترکیب کرده و به مردم می‌فروشند. فریدون بلغاری با اعلام اینکه استاندارد چای از سال آینده اجباری می‌شود، اظهار کرد: تاکنون تنها چای وارداتی از نظر کیفیت و استاندارد بررسی می‌شد، اما از ابتدای سال آینده چای تولید داخل نیز مشمول بازرسی و نظارت موسسه استاندارد می‌شود. او با اشاره به اینکه چای‌های وارداتی تنها به صورت بسته‌های ۲۰ کیلوپی اجازه ورود به کشور را دارند، افزود: بنابراین چای‌های خارجی که با بسته‌بندی‌های کوچک در بازار مشاهده می‌شوند، قاچاق بوده و مجوز واردات ندارند. این مقام مسوول در موسسه استاندارد در پاسخ به این سوال که چرا حجم چای تقلبی و بی‌کیفیت در بازار داخلی به شدت افزایش یافته است، گفت: متأسفانه مقدار زیادی چای سنوواتی در انبارهای اطراف تهران، کرج و استان‌های شمالی وجود داشته که در جامعه این شائبه را به وجود آورده که از این چای‌ها سوءاستفاده می‌شود و این چای‌ها با چای‌های خارجی مخلوط شده و به مردم فروخته می‌شود. وی افزود: متأسفانه وضعیت نگهداری چای در این انبارها در حد قاعده بوده و خود من در بازدیدی که از این انبارها داشتم شاهد حضور جوندگانی مانند موش در این انبارها بودم به گفته وی برخی از این چای‌ها به مدت ۳۰ سال است که در انبارها نگهداری می‌شوند. بلغاری در پاسخ به این سوال که چرا با وجود وقوع چنین تخلف آشکاری جلو فعالیت انبارهای چای سنوواتی گرفته نمی‌شود، گفت: متأسفانه اراده قوی در این زمینه وجود ندارد و عده‌ای نمی‌گذارند این چای‌ها از رده خارج شوند. در سبلی که سال قبل در استان‌های شمالی رخ داد، بخشی از این انبارها تخریب شدند. مگر اینکه سیل این انبارها را از بین ببرد، در غیراین صورت بعید می‌دانم عده‌ای بگذارند این انبارها تخریب و چای موجود در آنها معدوم شوند. اخیرا نیز یک مقام دولتی اعلام کرد که بیش از ۹۰درصد چای دولتی مصرفی در ادارات و نهادهای دولتی کشور تقلبی هستند. چایکاران کشور اعلام کرده‌اند، هزینه واردات هر کیلو چای خارجی بیش از دو هزار تومان تمام نمی‌شود، اما واردکنندگان چای خارجی را به ۱۰ برابر قیمت در بازار می‌فروشند. با توجه به اینکه مردم ایران از چای‌خورترین مردم در دنیا محسوب می‌شوند، بازار چای در ایران از ارزشی چند صدمیلیارد تومانی برخوردار شده است. این وضعیت باعث شده تا مافیا در بازار چای ایران نیز ورود پیدا کرده و با ترندهای مختلف سود کلانی را از این بازار به جیب بزند.

عدم تحقق وعده مسوولان مطالبات کارخانه‌های لبنی پرداخت نشد

■ فارس: مدیر عامل تعاونی فراورده‌های لبنی استان اصفهان گفت: مطالبات ۲۵۰میلیاردتومانی کارخانه‌های فراوری لبنی به رغم قول پرداخت در چهارشنبه هفته گذشته، هنوز پرداخت نشده است. هومان امیری اظهار داشت: مطالبات ۲۵۰میلیاردتومانی کارخانه‌های فراوری لبنی که بنابه قول معاون پارلمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت قرار بود چهارشنبه هفته گذشته پرداخت شود، پرداخت نشده است. مدیر عامل تعاونی فراورده‌های لبنی استان اصفهان افزود: این وعده در زمانی داده شد که آقای غضنفری در تلاش برای کسب رای اعتماد مجلس برای وزارتخانه جدید بود. امیری گفت: نماینده‌های کارخانه‌ها به دنبال برگزاری اجتماع دیگری در تهران هستند تا از حقوق خود دفاع کنند. مطالبات کارخانه‌ها مربوط به توزیع شیر یارانه‌ای است که دولت سالانه حدود ۴۸۰میلیارد تومان به اینن کارخانه‌ها می‌داد. این مطالبات معوق حدود ۲۵۰میلیارد تومان است.

بانک مسکن:

آیین‌نامه وام ۲۰میلیون تومانی خرید مسکن ابلاغ شده است

■ مهر: یک مقام مسوول در بانک مسکن اعلام کرد: آیین‌نامه پرداخت تسهیلات ۲۰میلیون تومانی خرید مسکن هنوز توسط بانک مرکزی به این بانک ابلاغ نشده است. شعبانعلی بهرامپور، مشاور مدیرعامل و رییس روابط عمومی بانک مسکن با بیان اینکه بانک مرکزی نامه‌ای در این زمینه به بانک مسکن ارسال نکرده است، تصریح کرد: حتی به صورت شفاهی هم بانک مرکزی این موضوع را به بانک اعلام نکرده است. بهرامپور خاطرنشان کرد: بانک مسکن منتظر ابلاغ آیین‌نامه پرداخت تسهیلات ۲۰میلیون تومانی خرید مسکن برای اجرا و ابلاغ به شعب است.

بانک مرکزی در بسته سیاسی - نظارتی سال ۹۰ نظام بانکی کشور رقم تسهیلات خرید بانک مسکن را از ۱۸ به ۲۰میلیون تومان افزایش داده است.

تشکیل ستاد ویژه بررسی پیامدهای اجرای یارانه نقدی

علی پاکزاد



علی پاکزاد

مهدی حسینی، شرق

شش ماه از آغاز هدفمندسازی یارانه‌ها می‌گذرد و به نظر می‌رسد بسیاری از انتقاداتی که از سوی صاحب‌نظران به اجرای این برنامه وارد می‌آمد، در حال وقوع است، حال سوال اینجاست: آیا دولت نتوانسته است هدفمندسازی را به درستی اجرا کند یا ایراد از ساختار برنامه است؟
فرشاد مومنی عضو هیات علمی دانشگاه علامه و از اندیشمندان اقتصادی در این زمینه به تجربیات تاریخی شوک‌درمانی اشاره می‌کند و معتقد است تا قبل از آنکه تمامی آنچه به عنوان نتایج عملی قطعی اجتناب‌پذیر و اجتناب‌ناپذیر برنامه شوک‌درمانی امکان ظهور و بروز دارد، محقق شود باید شوک‌درمانی را ترمیم کنیم. این در واقع ادعایی است که کم‌وبیش این روزها در محافل کارشناسی به گوش می‌رسد. بر همین اساس با نگاه و برداشتی صرفاً اقتصادی جریان هدفمندسازی یارانه‌ها را شش ماه پس از اجرای آن با فرشاد مومنی به گفت‌وگو نشستیم. متن این گفت‌وگو در ادامه آمده است.

شده همان بنگاه‌های ناکارآمد است. وقتی که اینها خودشان اذعان دارند این بنگاه‌ها به شدت ناکارآمد است. مبنای قرار دادن قیمت تمام شده به معنای تشویق به ادامه و افزایش ناکارآمدی خواهد بود.

وقتی که شما به ناکارآمدترین بنگاه‌ها که در حال حاضر متوسلی تولید و توزیع حامل‌های انرژی در کشور هستند می‌گویید قیمت تمام شده اعلام کند و بهیای آن را از مردم می‌گیرید در واقع این پیامی است که از این کتال به تولیدکننده ناکارآمد داده می‌شود به این مضمون که بدون دغدغه به کار خود ادامه بدهید و حتی ناکارایی‌ها و عدم بهره‌وری خودتان را تشدید کنید و نگران نباشید که هزینه این ناکارآمدی‌ها و عدم بهره‌وری را از مردم خواهیم گرفت. بنابراین این هم باز یک تناقض بزرگ است که درون این سیاست وجود داشته.

■ **با وجود آنکه معتقدید، این سیاست در ساختار اقتصادی کشور ما پاسخگو نیست ولی کاهش مصرف حامل‌های انرژی که بعد از هدفمندسازی، شاهد آن هستیم، چگونه قابل توجیه خواهد بود؟**
همان‌طور که اشاره کردید یکی دیگر از مولفه‌های قابل بررسی شدت مصرف انرژی است که مستقداً من هم به گونه‌ای در جمع تناقضات ساختاری برنامه‌های تعدیل و هدفمندسازی قابل شمارش است. ادعا این بود که از طریق افزایش قیمت شدت مصرف را در مورد حامل‌های انرژی کاهش می‌دهیم، در اینجا چند مساله خیلی مهم وجود دارد که متأسفانه به آنها توجه نمی‌کنند. مساله اول اینکه، مهم‌ترین پیش‌شرط تئوری سیاست‌ها این است که اثربخشی تغییر قیمتی برای کاهش تقاضا لازم‌ه‌اش این است که کالاها یا خدمات کشتش پذیری معقول قیمتی داشته باشند و این در حالی است که تقریباً در تمام مطالعات مربوط به اقتصاد ایران که در دهه گذشته صورت گرفته‌اند اتفاق نظر وجود دارد که کشش‌پذیری حامل‌های انرژی از نظر قیمت برای تقاضا بسیار ناچیز و اندک است. مساله مهم دیگر این است که کانون اصلی مشکل باالودن غیرعادی شدت مصرف انرژی در ایران اساساً به مصرف‌کنندگان این حامل‌ها بر نمی‌گردد و این شدت مصرف ناشی از ناکارآمدی خود تولیدکنندگان حامل‌ه‌است که باعث شده که شدت مصرف به این درجه بالا باشد و بنابراین، از طریق تنبیه کردن مصرف‌کنندگان امکان ندارد که تیر مصرف محسوس و پایدار را در این زمینه داشته باشیم مگر به قیمت تحمیل خسارت‌های سنگین آن هم در بخش‌های تولیدی کشور و هم در رفاه مصرف‌کننده.

■ **پس در واقع تعدیید این کاهش شدت در مصرفی که الان اتفاق افتاده، بیشتر ناشی از زبان‌هایی است که بر مصرف تحمیل می‌کنیم؟**
ضمن آنکه یا این چیزی که الان اتفاق می‌افتد این کاهش‌ها موضعی است و به هیچ‌وجه پایدار نیست ضمن آنکه با دو عارضه بزرگ هم همراه است: یکی اینکه فشارهای شدیدی را به تولیدکننده‌ها و به قسمت عرضه کل اقتصاد وارد می‌کند و دوم این که به رفاه مصرف‌کنندگان حمله می‌کند و به صورت غیرعادلانه‌ای بخش‌هایی از رفاه آنها را از بین می‌برد اما در مقیاس کلان علاوه بر این ملاحظات باید فقدان کالاهای جایگزین هم به خصوص در عرصه حمل و نقل عمومی به آن اضافه شود. دو نکته دیگر هم در ادامه بررسی تناقضات برنامه هدفمندسازی وجود دارد: نکته اول اینکه، وقتی پرداخت نقدی را در دستور کار انجام می‌دهید چگونه می‌خواهید از طریق وارد کردن شوک تقاضا به مهار تقاضا بپردازید این یک تناقض است. در همین لایحه بودجه سال ۱۳۹۰، پیش‌بینی شده که یک شوک بالغ بر ۶۰میلیارد دلاری به تقاضا فقط از طریق پرداخت نقدی به اقتصاد وارد شود.

تناقض بعدی این است که شما برای اجتناب از آثار و پیامدهای تومری این قضیه به صورت کامل‌آ شد توسعه‌ای به سمت گسترش واردات حرکت می‌کنید، این چه طور

ادعای اولیه (قبل از مشخص شدن نتایج جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی خاورها) مسوولان مربوطه ادعا می‌کردند که راستی آزمایی‌ها ضریب بالاتر از ۹۰درصد را نشان می‌دهد اما شما به همین مصاحبه‌های اخیر که سخنگوی طرح تحول انجام داده و در روزنامه‌های سبیزمد تیر منتشر شده است، نگاه کنید! ایشان به صراحت اظهار کردند که ما گروه‌های هدف را نمی‌شناسیم، ایشان می‌گویند در زمان آغاز طرح ابتدا یارانه‌نقدی میان ۲/۲۵میلیون نفر توزیع شد اما در آخرین مرحله یارانه نقدی تعداد دریافت‌کنندگان یارانه به ۳۳میلیون نفر رسید، درباره همین اعترافی که این فرد مسوول کرده، شاید بشود ساعت‌ها بحث کرد و به گمان من همین حرف می‌تواند مبنایی بشود برای پیگیری جدی از ناحیه نهادهای نظارتی کشور و به خصوص آن گروه از نهادهای نظارتی که متوالی تر توسعه در کشور هستند. وقتی که جمعیت کشور حول‌وحوش ۷۵میلیون نفر است و به گفته این آقا ۳۳میلیون نفر دارند یارانه می‌گیرند این، اعتراف صریح به این است که گویی سیستم قبلی توزیع یارانه در واقع یکی از هدفمندترین اقدامات تمام دولت‌های گذشته بوده است و اگر این اعتراف مینا قرار بگیرد، باید پرسید وقتی که شما حدودان ۳۳ میلیون را واجد شرایط تشخیص دادید که به آنها یارانه نقدی بپردازید پس این همه مساله برای به اصطلاح هدفمند کردن یارانه‌ها، چه مبنایی داشته و چرا فضایی کلان اقتصادی را بی‌ثبات کردید؟ انگیزه‌های تولیدی را به حداقل رساندید و زمینه نابرابری‌های بیشتر را فراهم کردید؟

مولفه دیگری که به مجاری شوک‌درمانی در عرصه حامل‌های انرژی موضوعیت داشت، این بود که ادعا می‌شد ماین کار را انجام می‌دهیم با هدف ارتقای کارایی و بهره‌وری. مولفه‌های ارتقای کارایی و بهره‌وری در تمام دنیا شناخته شده و شما اگر می‌خواهید بهره‌وری را درون اقتصادی ملی ارتقا بدهید باید سطح دانش، سطح مهارت و سطح تخصصی کارکنان را ارتقا ببخشید. چگونه از طریق وارد کردن شوک به قیمت‌های حامل‌های انرژی قرار است این سه اتفاق بیفتد؟

زمانی که اکثریت کارکنان شاغل در فعالیت‌های وابسته به حامل‌های انرژی جزو گروه‌های متوسط و پایین جامعه هستند وقتی شما شوک‌های اقتصادی و تسروم رکودی را به آنها تحمیل می‌کنید اینها همان انگیزه‌های بهره‌وری در سطوح قبلی خودشان را در دست می‌دهند؛ بنابراین هرگز توضیحی داده نشده که چگونه این کار انجام خواهد شد. بحث بر سر این است که با کمال تأسف قاعده‌گذاری در این زمینه یعنی آن چیزی که عملاً در دستور کار قرار گرفت، به گونه‌ای بود

که اتفاق تشویق‌کننده عدم کارایی و عدم بهره‌برداری بود؛ گویی برخی نه به صورت عمیق بلکه سطحی چیزهایی شنیده بودند که با اصلاح قیمت‌ها علایم قیمتی سیستم را به سمت کارایی و بهره‌وری هدایت می‌کنیم اما به این نکته توجه نکرده بودند که تحت چه شرایطی و در کدام الگوی نظری چنین روابط تابعی وعده داده می‌شود.

این وعده مربوط می‌شود به اقتصادهای رقابتی که در آنجا قیمت برای تولیدکننده برون‌زاست و برون‌زا بودن قیمت موجب می‌شود که اینها احساس کنند در غیاب بهره‌وری و ارتقای آن از گردونه رقابت خارج می‌شوند در حالی که در مورد تولید حامل‌های انرژی با فضایی تمام عیار انحصاری رویورو هستیم و تولیدکننده انحصارگر اصلاً نگرانی ندارد که کسی دیگر بیاید و جای او را بگیرد و از آن ناحیه انگیزه‌ای برای ارتقای کارایی ندارد.

بی‌ثباتی تحمیل شده به فضای کلان اقتصاد از ناحیه شوک‌درمانی هم به گونه‌ای است که به هیچ‌وجه انگیزه‌ای برای بخش خصوصی برای ورود به چنین فعالیت‌هایی را ایجاد نمی‌کند و از همه مهم‌تر اینکه به گمان من، تیر خلاص را به انگیزه‌های بهره‌وری و کارایی در این بنگاه‌ها می‌زند. زیرا در متن قانون هدفمندسازی یارانه‌ها برای بخش اعظم حامل‌های انرژی می‌گفتند که مبنای قیمت‌گذاری جدید، قیمت تمام

اقتصاد

فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «شرق» پیشنهاد داد

تشکیل ستاد ویژه بررسی پیامدهای اجرای یارانه نقدی

برنامه کنترل تقاضایی است که محور اصلی آن ایجاد جهش در واردات است. ملاحظه می‌کنید که به خصوص در این عرصه یعنی ادعای کاهش تقاضا، تعداد تناقض‌های درونی بسیار غیرعادی و زیاد است. نکته دیگری که به عنوان تناقض می‌شود در این زمینه ذکر کرد اینکه ادعا می‌شد اگر برنامه هدفمندسازی اجرا شود به اعتبار کارکردهای انتظاری، شاهد بهبود محیط‌زیست هم خواهیم بود، در تمام تجربه‌های شوک‌درمانی در کشورهای در حال توسعه، اثبات شده که کانون اصلی فشارها، وحشتناک‌ترین و طاقت‌فرس‌ترین فشارها به ضعیف‌ترین گروه‌های درآمدی وارد می‌شود و در تمام کشورهای در حال توسعه، ضعیف‌ترین گروه‌ها میان فقراری روستایی و کشاورزها هستند و وقتی که شوک قیمتی به حامل‌های انرژی وارد می‌شود اکثریت اینها از مصرف حامل‌ها منصرف می‌شوند و برمی‌گردند به سنت‌های آب و اجدادی خودشان یعنی اتکا به تخریب محیط‌زیست برای تأمین سوخت و این یعنی جنگل‌زدایی و تخریب محیط‌زیست.

■ **البته فارغ از این تناقض‌ها به هر حال دولت با تکیه بر منابعی که از طریق هدفمندسازی به دست می‌آورد می‌تواند تا حدی به جبران همین تناقضات مورد اشاره شما پرداخته و در عمل ادعایی را که مدنظر دارد محقق کند، این مساله را شما انکار می‌کنید؟**

اتفاقا تناقض بعدی که باید به آن بپردازم اشاره به همین نکته دارد که اجرای این قانون هزینه‌های دولت را افزایش و صرفه‌داد می‌شود و برمی‌گردد به مسائلی که در مورد یارانه‌ها در سال‌های گذشته به اصطلاح هدفمند شده نسبت به سالی که هنوز یارانه‌ها هدفمند نشده بود، وجود دارد و تصور من این است که این فهرست را می‌شود همین‌طور ادامه داد و همه آنها حکایت از این دارد که مساله فقط اجرای صحیح نیست، مساله این است که این سیاست در کنار سایر اجرای برنامه تعدیل ساختاری به صورت یک مجموعه حاوی تناقض‌های متعددهستند.

از دیگر سوی، بحث بیکاری به عنوان یکی از تبعات وحشتناک این برنامه در حال بروز است، تا همین الان طی سه، چهار ماه اخیر حداقل ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس این بحث را مطرح کردند که خصلت «شتغال‌زدایی» این پدیده در مناطق مختلف به طرز نگران‌کننده‌ای خود را نشان می‌دهد؛ تمام بحث‌هایی که در این چند ماه اخیر در مورد وضعیت داداری‌ها، مرغداری‌ها، ماهیگیران و وضعیت دیگر تولیدکننده‌ها مطرح شده نشان از نامناسب بودن فضای کلان اقتصادی دارد هرچند آمارهایی که از طریق ایشان مطرح می‌شود، آمارهای رسمی نیستند و می‌تواند محل مناقشه قرار بگیرد اما اصل خصلت اشتغال‌زدایی این سیاست‌ها مساله‌ای است که از قبل هم توسط کارشناسان تذکر داده می‌شد. حالا بحث سر این است که ما فضایی کلان اقتصادمان را از این طریق بی‌ثبات کردیم، کسری بودجه آشکار و پنهان دولت افزایش پیدا کرده، یعنی برخلاف آن چه در تصویر اولیه می‌گفتند که فقرا را جبران مالی می‌کنند، راه‌ها را هم درست می‌کنند، زیرساخت‌ها را هم اصلاح می‌کنند، سرمایه‌گذاری تولیدی بیشتری می‌کنند و؛ الان مشاهده می‌کنیم کل منابع این برنامه حتی تکافوی پرداخت نقدی دولت را نمی‌کند. این تازه غیر از مسائلی است که شما الان می‌بینید بین وزارت نیرو و وزارت نفت وجود دارد مثلاً در مورد گاز و مسایلی که در صورت استمرار این وضعیت پدید خواهد آمد.

اما از همه آنها مهم‌تر این است که پدیده رکود تومری مهم‌ترین آثار خود را در اخلاق اجتماعی منعکس می‌کند. شما الان در روزنامه‌ها مکرر مشاهده می‌کنید که این پدیده شروع گاز زدنی، پدیده شروع دام زدنی و حتی پدیده شروع نان زدنی سخن به میان می‌آید، یعنی آثار فرهنگی این قضیه اگر از آثار اقتصادی آن بیشتر نباشد کم‌تر از آن هم نیست.

حالا بحث سسر این است که آیا نظام تصمیم‌گیری به خصوص نهادهای نظارتی که متولی امر توسعه ملی هستند، یعنی کمی آقق بین بلندمدت‌تر به مسایل دارند، باید یارانه در مقام پاسخگویی به این سوال ببیندشند که آیا باید ما این مسیر را ادامه بدهیم تا بعد از اینکه خدای ناکرده به یک مشکل ملی رسیدیم فرمان توقف بدهیم یا اینکه از تجربه نیمه اول دهه ۱۳۷۰ استفاده بکنیم و قبل از اینکه مشکلات انسانی و کوتاهمدت و بلندمدت اقتصادی خودش را تحمیل کنند ما حداقل یک ستاد ویژه‌ای را طراحی کنیم که این ستاد ویژه مسئول باشد. در درجه اول از کارشناسان و متخصصان صاحب صلاحیت در این زمینه و نمایندگان بخش‌های مختلف اقتصادی و نمایندگان بخش‌های تولیدی بایند و در این ستاد مطرح کنند که قبل و بعد از ماجرایی هدفمندنی اوضاع را چگونه می‌بینند. الان نمی‌خواهم به شاخص قیمت تولیدکننده که بانک مرکزی منتشر می‌کند که استاندارد است، حتی انتخاب گروه‌های تولیدی را به عهده دستگاه‌های اجرایی بگذارند آنها بودند و انتخاب کنند ببینید ما در هیچ عرصه‌ای می‌توانیم تولیدکننده‌ای را پیدا کنیم که در اثر اثر شوک‌درمانی، کارایی و بهره‌وری‌اش ارتقا پیدا کرده است. اگر این اتفاق نیفتاده اما در کنارش ده‌ها عارضه کوچک و بزرگ پدیدار شده چه منطقه حکم می‌کند که ما همچنان بر استمرار این وضعیت اصرار کنیم؟ شواهد بودجه سال ۱۳۹۰ حتی قبل از اینکه مجلس درونش دست ببرد، یعنی خود لایحه بودجه به اندازه کافی تکان‌دهنده بود؛ تمامی شواهد این لایحه حکایت از حقیقت و صحت ایرادهای کارشناسی بود که به این سیاست وارد می‌شدند و نادرستی تمام انتظاراتی که دولتی‌ها مطرح می‌کردند را هم در خود لایحه بودجه دولت می‌شود یک به یک مشاهده کرد.

ادامه در صفحه ۱۹

خبر

دلایل شکست عرضه در بورس نفت

■ مهر: رییس هیات مدیره بورس کالای ایران گفت: بزرگ‌ترین مانعی که باعث شکست و عدم موفقیت در عرضه نفت در بورس می‌شود، نبود عزم و اراده جدی در بدنه کارشناسی وزارت نفت برای نهایی شدن این کار است که امید است با حضور وزیر جدید نفت فروش نفت با موفقیت به سرانجام برسد.
محمدرضا پورابراهیم در مورد دلایل عدم موفقیت عرضه نفت در بورس نفت برای دومین بار گفت: بزرگ‌ترین مانعی که در این زمینه وجود دارد، نبود عزم و اراده جدی در بدنه کارشناسی وزارت نفت برای نهایی و عملیاتی شدن این کار است. رییس هیات مدیره بورس کالای ایران با اظهار تأسف نسبت به حضور وزیر حاکم بر تصمیمات، عزم و اراده‌ای برای انجام تصمیمات فراهم نکرده است، افزود: اگر این روند ادامه یابد، حتی چنانچه چندین بار هم عرضه نفت در بورس نفت تکرار کنیم، عرضه نهایی و موفق نخواهد شد. وی اظهار امیدواری کرد با حضور وزیر جدید نفت و تصمیمات جدیدی که در مجموعه وزارت نفت اتخاذ خواهد شد و همچنین با سیاست‌گذاری مشترک، بتوانیم فروش نفت را با موفقیت به سرانجام برسانیم. پورابراهیم خواستار رفع مشکلات در این زمینه شد و اظهار داشت: با تصمیمات وزیر جدید نفت و ایجاد عزم و اراده در این وزارتخانه امید است هر چه زودتر شاهد نهایی شدن این بخش از معاملات در بورس باشیم. رییس هیات مدیره بورس کالای ایران دلیل عدم موفقیت عرضه نفت در بورس را نامناسب بودن قیمت عنوان کرد و افزود: در حال حاضر کالاهای دیگری هم در بورس معامله می‌شود، اما با این مشکلات مواجه نیستند.

رییس سازمان حمایت اعلام کرد متوسط افزایش قیمت‌ها ۱۰ تا ۱۲ درصد

■ ایسنا: رییس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و معاون وزیر بازرگانی متوسط افزایش قیمت‌هایی که این سازمان با آنها موافقت کرده است را ۱۰ تا ۱۲درصد اعلام کرد. محمد حسین نکویی‌مهر، با اعلام این مطلب در این مورد گفت: برای متوسط افزایش قیمت‌هایی که با این موافقت شده است به نظرم شاید بتوان رقم ۱۰درصد را بیان کرد، چرا که افزایش قیمت‌ها را پایین‌تر از ۱۰درصد هم بوده، اما به طور متوسط ۱۰ تا ۱۲درصد است. وی ادامه داد: هم‌اکنون نیز با تشککل‌ها و مجموعه‌ها مذاکراتی شده که اگر تقاضایی هم وجود دارد، پس از ماه رمضان بررسی خواهد شد. البته عمده تغییرات انجام‌شده و برای ماه رمضان ممکن است یکی، دو درخواست افزایش قیمت مطرح شده باشند. نکویی‌مهر اضافه کرد: علل عمده درخواست‌هایی که ما بررسی کردیم مربوط به افزایش قیمت مواد اولیه بود که در هزینه تمام‌شده آنها نقش مهم‌تری داشته اما برخی از موارد هم ناشی از افزایش هزینه انرژی یا هزینه حمل بوده و مردم و مصرف‌کننده‌ها نیز اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها بر افزایش قیمت‌هائیز بیان کرد: در کالاهایی مثل سیمان، هدفمندسازی یارانه‌ها نقش عمده‌تری داشت اما در برخی از اقلام مانند موادغذایی عمدتاً این افزایش قیمت ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه در بازارهای جهانی بوده است. نکویی‌مهر در مورد سهم هدفمندسازی یارانه‌ها از افزایش قیمت‌ها گفت: این موضوع در مورد کالاهای مختلف متفاوت است و در این مورد ارزیابی دقیقی ندارم اما مدیر ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها در این مورد صحبتی کرده و گفته که کمتر از چهاردرصد است.

هر شانه تخم‌مرغ ۵هزار تومان

■ مهر: مسوول اجرایی بانک اطلاعات موجودی کالاهای ضروری با تشریح جزئیات قیمت مصوب شکر و تخم‌مرغ گفت: بر اساس تصمیمات جدید، قیمت هر کیلوگرم شکر قه‌لی هزارو ۳۲۰تومان، شکر بسته‌بندی هزارو ۵۲۰تومان، هر کیلو تخم‌مرغ هزارو ۴۰۰تومان و هر شانه تخم‌مرغ حادکتر پنج هزارتومان است. محمدحسین مولاخوارزگر عدم نگهداری و ضرورت توزیع مستمر اقلام مورد نیاز مردم از انبارها و سردخانه‌ها بر اساس ماده۴ قانون تعزیرات حکومتی به سازمان‌های بازرگانی استان‌ها ابلاغ شده است و صاحبان کالا مکلف هستند تا نسبت به عرضه بدون وقفه این کالاها به بازار مصرف اقدام کنند.

مسوول اجرایی بانک اطلاعات موجودی کالاهای ضروری افزود: بر اساس قیمت‌های مصوب، هر کیلوگرم شکر قه‌لی با قیمت هزارو ۳۲۰تومان و شکر بسته‌بندی با قیمت هزارو ۵۲۰تومان عرضه خواهد شد. وی تصریح کرد: همچنین قیمت هر کیلوگرم تخم‌مرغ دوهزارو ۴۰۰ تومان و هر شانه تخم‌مرغ حادکتر پنج هزارتومان تعیین شده است و واحدهای صنفی برای عرضه کالا با قیمت‌های اعلام‌شده می‌توانند به سازمان‌های بازرگانی استان‌ها مراجعه کنند. وی اظهار داشت: کالاهای اساسی با تخفیف ویژه در حال عرضه در ۳۰۰ فروشگاه طرح ضایف در سراسر کشور هستند و در تهران نیز در مصلی بزرگ تهران، فرهنگسرای خاوران و بوستان ولایت نمایشگاه طرح ضایف در حال برگزاری است و مردم می‌توانند برای تأمین مایحتاج خود با قیمت‌های مصوب و تحت کنترل مراجعه‌کنند.